

جدال باطلا؛ بستر ساز اختلاف؛ کینه؛ کدورت و عداوت!

بی تردید اسلام به هیچ حدی از روابط اجتماعی قانع نیست و همواره می‌کوشد روابط را هرچه محکم‌تر و نزدیک‌تر سازد و تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید: باید در میان افراد با ایمان آنچنان پیوند ارتباط روحی برقرار گردد که حتی در جسم آنها اثر بگذارد.[1] در این میان بهره‌گیری از زبان و گفتار آنچنان از اهمیت فوق‌العاده در بحث‌های اخلاقی برخوردار است که زبان ترجمان دل و نماینده عقل و کلید شخصیت انسان و مهمترین دریچه روح به شمار می‌رود.[2] به عبارت روشنتر، آنچه در صفحه روح بشر نقش می‌بندد (اعم از پدیده‌های فکری و عاطفی و احساساتی) قبل از هر چیز بر صفحه زبان و در لابه‌لای گفته‌های او خودنمایی می‌کند.[3] اینگونه است که اهمیت الفاظ و سخنان و گفتار در زندگی انسانها بی‌بدیل است تا آنجا که گاهی يك جمله، مسیر اجتماعی انسانها را به سوی خیر یا شر تغییر می‌دهد.[4] به تعبیر امیر مومنان حضرت علی (ع) «چه بسا گفتاری که مؤثرتر از تیر باشد؛ رب کلام انفذ من سهام»،[5] و «چه بسا قولی نافذتر از حمله‌ای در جنگ باشد که قهر و غلبه بر آن پیدا کند؛ رب قول انفذ من صول».[6]، [7] لذا از اصول مسلم اسلام این است، که تعامل با یکدیگر فقط باید از طریق بحث‌های منطقی و دوستانه باشد، حتی در مورد دیگر مذاهب اسلامی و نیز غیر مسلمین نیز همین دستور داده شده است.[8]، [9] بنابراین نباید اختلاف نظرها سبب نزاع و درگیری شود، بلکه باید از طریق استدلال‌های منطقی و گفتمان صحیح، افکار را به هم نزدیک کرد.[10]

تأملی در معنی و مفهوم جدال

واژه جدل و جدال به طوری که راغب در مفردات می‌گوید از «جدلت الحبل» (طناب را محکم تابیدم) گرفته شده، گویی کسی که سخنان ستیزه‌جویانه می‌گوید می‌خواهد طرف مقابل را با زور از افکار و عقائدش دور سازد.[11] بعضی نیز گفته‌اند جدال در اصل به معنی کشتی‌گرفتن و تلاش بر زمین زدن دیگری است، و از آنجا که مشاجرات لفظی شباهت به آن دارد، این واژه در آن مورد نیز به کار رفته است.[12]

چیستی مفهوم مناظره (مجادله)

به عمل کسانی که در مقابل هم می‌ایستند و هر کدام می‌خواهد پایه‌های سخن خود را محکم کرده، بر

دیگری غلبه نماید مناظره(مجادله) گفته می شود.[13] هم چنین مناظره و مباحثه دقیق، به معنی مناقشه به معنای دقت و سخت گیری در حساب نیز به کار رفته است.[14]

اقسام مناظره

مناظره(مجادله) عمدتاً به دو بخش تقسیم می شود، جدال مثبت(گفتگوی مثبت و حق جویانه) یا جدال به حق که بحث های منطقی و گفتگو برای تبیین مسایل و توضیح حقایق و آگاهی از نقطه نظرهای یکدیگر و رسیدن به واقعیات مورد نظر است.[15] و جدال منفی(گفتگوی لجاجت آمیز) یا جدال به باطل که با بحث های پرخاشگرانه و ستیزه جویانه، هدف صحیح و مطلوب دنبال نمی شود، و اینگونه مناظره ها در مسیر روشن شدن حقایق نیست بلکه هدف از آن اعمال خصومت یا تعصب و لجاج و برتری جویی و خودنمایی و اظهار فضل در برابر دیگران است.[16] لذا باید توجه داشت که مناظره یا مجادله اگر در مسیر حق و متکی به منطق و برای تبیین واقعیات و ارشاد افراد بی خبر بوده باشد ممدوح است، و اگر متکی به دلائل واهی، و ناشی از تعصب و جهل و غرور، و به منظور اغفال این و آن صورت گیرد مذموم است.[17]

مناظره احسن از دیدگاه قرآن

جدال به حق و بحثهای منطقی و مسالمت آمیز، که طرفین بحث در پی روشن شدن حقیقت و رسیدن به آن هستند و هیچ کدام قصد برتری جویی بر دیگری ندارد، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه خداوند به آن دستور داده است.[18] آنجا که می فرماید: «و لا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن»[19]؛ با اهل کتاب (یهود و انصاری) جز به طریقی که نیکوتر است مجادله نکنید». و یا در فرازی دیگر می خوانیم: «و جادلهم بالتی هی احسن؛ و با روشی نیکوتر با آنها مجادله و مناظره کن».[20]، [21] لزوم اجرای فرایند مناظره احسن در این فراز قرآنی مخصوص کسانی است که ذهن آنها قبلاً از مسائل نادرستی انباشته شده و باید از طریق مناظره ذهنشان را خالی کرد تا آمادگی برای پذیرش حق پیدا کنند.[22] بدیهی است مجادله و مناظره هنگامی مؤثر می افتد که «بالتی هی أحسن» باشد، حق و عدالت و درستی و امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هر گونه توهین و تحقیر و خلاف گوئی و استکبار خالی باشد، و خلاصه تمام جنبه های انسانی آن حفظ شود.[23]

مفهوم مناظره غیر احسن از دیدگاه امام صادق(علیه السلام)

هنگامی که بعضی افراد از امام صادق(ع) پرسیدند جدال به غیر احسن چیست؟ حضرت فرمود: آن است که با

کسی که اهل باطل است مجادله کنی، او دلیل نادرستی اقامه کند ولی تو قادر نباشی با منطق صحیح به او پاسخ بگویی و تنها به این قناعت کنی که من گفته تو را قبول ندارم (بدون اقامه دلیل) یا این که آن شخص که اهل باطل است سخن حق را بگوید که بخواهد از آن برای مقصد نادرست خود کمک بگیرد و تو از ترس نداشتن جواب صحیح سخن حق را انکار کنی. این کار بر شیعیان من حرام است که سبب فتنه و انحراف برادران ضعیف الایمان شوند و اهل باطل از ناتوانی این گونه اشخاص در استدلال گواه و شاهی بر حقانیت خود دست و پا نمایند... [24]

تبعات و پیامدهای مناظر باطل در روایات

تأکیدهای فراوان در روایات متواتر اسلامی در مذمت جدال به باطل و جر و بحثهای پرخاشگرانه و بی منطق وارد شده است که اهم آن موارد به شرح ذیل است. [25]

مناظر غیر احسن؛ مانع درک حقایق

نخستین اثر منفی مجادل باطل، پرده افکندن بر چهره حقایق است و بدترین حجاب را میان انسان و درک حقایق ایجاد می کند به گونه ای که گاه حتی واضح ترین بدیهیات را درک نمی کند و به انکار اموری می پردازد یا از مطالبی دفاع می کند که راستی مضحك است و این نیست مگر به خاطر اینکه انسان وقتی گرم جدال مذموم می شود همه چیز را غیر از آنچه خودش می گوید انکار می کند. [26] اینگونه است که مناظر به باطل سبب مخفی شدن حق و افزایش تعصب و خشونت و مفساد بی شمار دیگری می شود، در روایات اسلامی به شدت از آن نهی شده مخصوصاً اگر مجادله در مصالح دینی باشد. [27] پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «ماض قوم بعد ان هداهم الا اوتوا الجدل؛ هیچ گروهی را بعد از آن که خدا هدایتشان کرد گمراه نشدند مگر آن که گرفتار جدال شدند». [28]، [29]

جدال باطل؛ بستر ساز اختلاف؛ کینه؛ کدورت و عداوت

از جمله آثار منفی جدال باطل، ایجاد عداوت و دشمنی در میان دوستان و فراموشی یاد خدا و کشیده شدن به انواع دروغها است؛ دلیل آن هم روشن است زیرا کسی که می خواهد با جدال بر دوستان خود غلبه کند و برتری بجوید آنها را بر ضد خود تحریک می کند و غالباً گفتار آنها را به تحقیر و دشنام یکدیگر می کشد و اینها بدترین اسباب نفاق و جدائی است حتی گاهی برای توجیه سخنان خود به انواع دروغها متوسل می شوند که این خود بلای بزرگ دیگری است و مجموع اینها سبب می شود که انسان از خدا دور گردد و در

دام شیطان گرفتار شود و انسان را به هلاکت معنوی بيفکند.[30] در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «ایاکم و الخصومة فی الدین فانها تشغل القلب عن ذکر الله عز و جل و تورث النفاق، و تکسب الضغائن، و تستجیر الکذب؛ از خصومت در دین (و جدال و پرخاشگری) بهره‌ی‌زید، چرا که فکر انسان را از ذکر خدا به خود مشغول می دارد و سبب اختلاف و نفاق و کینه و عداوت می گردد و سبب پناه بردن به دروغ می شود».[31]، [32] گفتنی است تعبیر به خصومت در دین هر چند غیر از عنوان جدال است، ولی در این گونه موارد به همان معنی می باشد.[33] شبیه همین معنی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: ایاک و الخصومة فانها تورث الشک و تحبط العمل و تردی بصاحبها، و عسی ان یتکلم بشيء فلا یغفر له؛ از خصومت و جدال که سبب شک و تردید می شود، اعمال انسان را حبط و نابود می کند و صاحبش را به هلاکت می کشاند و ای بسا سخنی بگوید که هرگز بخشوده نشود».[34]، [35]

مناظره به باطلا؛ نابود کنند دین

در روایتی که از وجود مبارک مولای متقیان، امیر مؤمنان علیه السلام، نقل شده می خوانیم: «الجدل فی الدین یفسد الیقین [36]؛ مجادله به باطل در مسائل دینی یقین انسان را بر باد می دهد.»[37] زیرا وقتی کسی اهل جدل شد، کم کم برای تحقق خواسته های دلش، آنچه را هوای نفسش می خواهد در لباس دین و به عنوان قرائت و برداشت تازه مطرح می کند!.[38] در مجموع می توان گفت جدال در بحث بیهوده است و از آن نتیجه ای عاید نمی گردد؛ چون با جریحه دار نمودن عواطف طرف، او را به مقاومت وامی دارد؛ هم چنین جدال با ایمان کامل سازگار نیست، زیرا جدال نشانه کبر و تفوق طلبی است و هرگز کبر با ایمان که روح آن تسلیم و خضوع در برابر حق است سازش ندارد.[39] هم چنین جدال موجب بروز فتنه و جلب عداوت و دشمنی و موجب گمراهی است،[40] خلاصه این که، در روایات از جدال به باطل به شدت نهی شده است.[41]

آداب و قواعد مناظره احسن در روایات

بدیهی است تحقق مجادل احسن منوط به رعایت آداب و شرایطی است که عبارتند از:

منطق گرایی

بی شک طرف مناظره باید انسان فهمیده و عاقلی باشد که بتوان از طریق مناظره منطقی بر علوم او دست یافت، همان گونه که در وصیت امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: «دع الممارات و مجارات من لا عقل له و لا علم؛ گفتگو و مناظره را با کسی که نه عقل دارد و نه علم رها کن».[42]

هم چنین شخص مناظره کننده باید انسان آگاهی باشد، چرا که اگر افراد ناآگاه به عنوان دفاع از حق به میدان بیایند و بر اثر ضعف معلومات شکست بخورند، آیین حق ضایع می شود، لذا در حدیثی می خوانیم که محمد بن عبداﷻ معروف به طیار به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «بلغنی انک کرهت مناظره الناس؛ به من گفته اند که شما از مناظره (شیعیان) با مخالفان کراهت دارید؟ امام فرمود: اما کلام مثلك فلا یکره، من اذا طار یحسن ان یقع و ان وقع یحسن ان یطیر فمن کان هکذا لا نکرهه؛ از گفتگوهای شخصی مانند تو کراهت نداریم کسی که هنگامی که به پرواز در می آید می تواند در جای خود به خوبی بنشیند، و هنگامی که می نشیند می تواند به پرواز در آید (با مهارت وارد بحث می شود و با مهارت از آن خارج می گردد) ما از گفتگو و مناظره چنین کسی ناراحت نیستیم».[43] انتخاب لقب طیار برای این صحابی معروف امام صادق علیه السلام نیز اشاره به همین معنی است زیرا که در مباحثه و جدل، بسیار قوی و نیرومند بود و با قدرت و مهارت می توانست از حق دفاع کند.[44] اینجاست که به تمام کسانی که اطلاع کافی از مسائل دین ندارند، و نمی توانند با قدرت از او دفاع کنند، هشدار می دهیم که وارد بحث و مناظره با مخالفان نشوند، چرا که شکست می خورند و شکست آنان موجب سرافکندگی و ضعف مبانی مذهب در نظر دیگران است.[45]

سخن آخر

در خاتمه باید گفت در آنچه گفته شد تفاوتی بین مباحث دینی، اخلاقی و سیاسی و مانند آن نیست؛ منشأ جنگ رسانه ها و مطبوعات در محدوده مسائل سیاسی نیز همین مطلب است که نمی خواهند تسلیم حق باشند و هر کس می خواهد پیش داوریهایی خویش را حاکم کند و گرنه تشخیص حق در مسائل سیاسی نیز آن قدر مشکل و آفتاب حقیقت آنچنان پنهان نیست، ولی هنگامی که پای تعصب ها و منافع شخصی و حزبی به میان آید، حق و حقیقت پنهان می گردد!.[46] لذا شایسته است جریانات سیاسی به ویژه در انتخابات پیش رو، بحثهای خود را با یکدیگر با محبت و دوستی و تواضع و مهربانی و به صورت جستجوی حق برگزار کنند که هم از علم و دانش یکدیگر بهره گیرد و نیز با کمک یکدیگر بتوانند مطالب پیچیده را بشکافند و به واقعیت ها برسند، که این همان جدال بر حق و مناظره احسن است.[47]

پی نوشت ها

[2] اخلاق در قرآن ؛ ج 1 ؛ ص307.

[3] زندگی در پرتو اخلاق ؛ ص71.

[4] برگزیده تفسیر نمونه ؛ ج 4 ؛ ص523.

[5] غررالحکم؛ میزان الحکمه، ج 8، ص 435.

[6] بحار الانوار، ج 71، ص 291، نهج البلاغه، حکمت 394 صبحی صالح و 388 فیض الاسلام . . .

[7] اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین) ؛ ج 2 ؛ ص471.

[8] «ادع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هي أحسن إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله و هو أعلم بالمهتدين؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما؛ و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. پروردگارت، از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او هدایت یافتگان را بهتر می شناسد»؛ (سورۃ نحل؛ آیه 125).

[9] وهابیت بر سر دو راهی ؛ ص45.

[10] وهابیت بر سر دو راهی ؛ ص46.

[11] اخلاق در قرآن ؛ ج 3 ؛ ص278.

[12] همان.

[13] تفسیر نمونه ؛ ج 20 ؛ ص15.

[14] پیام امام امیر المومنین علیه السلام ؛ ج 9 ؛ ص586.

[15] اخلاق در قرآن ؛ ج 3 ؛ ص288.

[16] همان.

[17] همان.

[18] آیات ولایت در قرآن ؛ ص432.

[19] سورۃ عنکبوت؛ آیۃ 48.

[20] سورۃ نحل؛ آیۃ 125.

[21] اخلاق در قرآن ؛ ج 3 ؛ ص289.

[22] برگزیده تفسیر نمونه ؛ ج 2 ؛ ص612

[23] تفسیر نمونه ؛ ج 11 ؛ ص456.

[24] بحارالانوار، ج 2، ص 125، حدیث 2 (با تلخیص).

[25] اخلاق در قرآن ؛ ج 3 ؛ ص284

[26] همان.

[27] اخلاق در قرآن ؛ ج 3 ؛ ص279.

[28] احیاء العلوم، ج 3، ص 1553.

[29] اخلاق در قرآن ؛ ج 3 ؛ ص279.

[30] همان ؛ ص285.

[31] بحارالانوار، ج 2، ص 128، حدیث 6.

[32] اخلاق در قرآن ؛ ج 3 ؛ ص 280.

[33] همان.

[34] بحارالانوار، ج 2، ص 134، حدیث 30.

[35] اخلاق در قرآن ؛ ج 3 ؛ ص 280.

[36] میزان الحکمة، باب 492، حدیث 2285.

[37] آیات ولایت در قرآن ؛ ص 432

[38] همان.

[39] زندگی در پرتو اخلاق ؛ ص 239.

[40] همان.

[41] آیات ولایت در قرآن ؛ ص 432.

[42] بحارالانوار، ج 2، ص 129، حدیث 14.

[43] همان ، ص 136، حدیث 39.

[44] اخلاق در قرآن ؛ ج 3 ؛ ص 290.

[45] همان.

[46] آیات ولایت در قرآن ؛ ص431.

[47] اخلاق در قرآن ؛ ج 3 ؛ ص286.